

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۱۷ مارچ ۲۰۱۱

اوضاع وخیم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی ایران و وحشی گری های حکومت

مقدمه

عدم آزادی های سیاسی فردی و اجتماعی، سرکوب های سیاسی، بی کاری، فقر و گرسنگی، بزرگ ترین مشکلات بشریت است. تقسیم نابرابر نعمت های کره زمین به علت استثمار انسان از انسان و سرکوب و ستم سرمایه داری غارتگر بین المللی، این مشکلات را هر زمان بیش تر از زمان پیش دامن می زند. از این رو، هر انسان آگاه و ستم دیده، اگر هر روز به فکر چاره این مشکلات عظیم خود نباشد، بشریت آینده مبهم تر و وخیم تری خواهد داشت. نوشته حاضر تلاشی در تشریح و توضیح گوشه هایی از بی حقوق اکثریت مردم ایران، بی کاری، فقر و گرسنگی در جامعه مان و علل و راه های مبارزه با آن است.

حاشیه نشینی، فقر، بی کاری و گرانی در ایران، آن چنان گسترده بودند که با اجرای طرح هدف مندسازی یارانه ها، بیش از پیش تشدید شدند. در چنین روندی، هیچ راهی در مقابل بخش عظیمی از شهروندان جامعه ایران، غیر از دست زدن به اعتصابات سراسری کارگری و شورش های خیابانی که هم اکنون در برخی از کشورهای افریقایی و عربی، به ویژه تونس در جریان است، وجود ندارد.

عموما آمارهای رسمی دولتی که در رابطه با آسیب های اجتماعی و بی کاری و غیره اعلام می گردند، همواره با تعدیل زیاد و با در نظر گرفتن ملاحظات دولت منتشر می شوند. در حالی که آمارهای غیررسمی و واقعی که توسط تحلیل گران، کارشناسان و اقتصاددانان مستقل اعلام می شوند بسیار بیش تر از آمارهای دولتی هستند. با افزایش سرسام آور قیمت مسکن، فشار زیادی روی قشر متوسط و ضعیف وارد شده است. اقشار کم درآمد در حالی که حقوق شان ۳۰۰ هزار تومان بیش تر نیست، با پرداخت اجاره بهای ۲۵۰ هزار تومانی و ودیعه های ۵ ملیونی فشارهای روحی روانی زیادی را متحمل می شوند.

ایران، یک ملیون و ۶۴۸ هزار و ۱۹۵ کیلومتر وسعت، حدود ۷۳ ملیون نفر جمعیت و ۳۰ استان دارد. بیش تر جمعیت ایران در مرکز و غرب کشور که آب و هوای بهتر و امکانات بیش تری دارد، زندگی می کنند.

تعداد شهرهای کشور، از ۲۰۰ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۰۱۲ شهر در سال ۱۳۸۵ افزایش پیدا کرده است. در حالی که غیر از پایتخت و چند شهر بزرگ دیگر، باقی شهرها از امکانات خدمات شهری، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و به ویژه امکان اسکان و کسب و کار مناسبی برخوردار نیستند. از این رو، موج های مهاجرت به سمت پایتخت و شهرهای بزرگ سبب شده است که زاغه نشینی و حاشیه نشینی هر چه بیش تر گسترش یابد.

اکنون فقر و بی کاری در ایران به اوج خود رسیده است. فقر و بی کاری خانواده ها سبب شده است که ملیون ها کودک از تحصیل محروم بمانند و برای کمک به خانواده های خود، راهی بازار کار بی رحم شوند. این کودکان، نیروی کار خاموش و ارزان سرمایه داران ایرانی هستند.

عموما بحران جهان سرمایه داری در حال عمیق تر شدن است. این بار علاوه بر بحران مالی و اقتصادی اروپا، آمریکا، یونان، ایرلند و...، کشورهای فقیر و در حال توسعه با کمبود شدید مواد غذایی روبرو هستند.

در چنین شرایطی، سرمایه داران و دولت های آن ها، شدیداً نگران خیزش های مردمی و وقوع انقلابات اجتماعی هستند. برخی از کارشناسان اقتصادی و تحلیل گران مسائل [کشاورزی](#) بر این باورند که طی سال های آینده بخش زیادی از مردم [کره](#) زمین با سوء تغذیه روبرو خواهند شد.

کارگران، جوانان و مردم تحت ستم تونس با مبارزه پیگیر خود، رئیس جمهور مادام العمر این کشور را فراری دادند و با آزادی احزاب، رسانه ها، آزادی زندانیان سیاسی و غیره در جریان است و هم چنین وزارت اطلاعات را منحل و تعدادی از مامورین نظامی - امنیتی را که در کشتار و سرکوب مردم نقش داشتند دستگیر و زندانی کرده اند. هر چند که هنوز زود است در مورد تحولات آتی و پرشتاب تونس، به یک نتیجه و ارزیابی قطعی رسید اما تا این جا نیز مردم در پیش برد اهداف انقلابی خود موفق بوده اند.

جامعه ایران نیز تحت تاثیر این تحولات جهان سرمایه داری قرار دارد. یعنی همان طور که تحولات سرمایه داری و بحران های اقتصادی، سیاسی و نظامی در دولت های جهان در روابط و مناسبات آن ها تاثیر می گذارد به همان نسبت نیز تحولات اعتراضی و انقلابی کارگران و مردم آزاده کشورهای مختلف جهان تاثیر متقابلی بر تحولات یکدیگر دارند و هم زمان از تجارب مثبت و منفی همدیگر در جهت اهداف و سیاست هایشان بهره می جویند.

جامعه ما سال گذشته، پس از مضحکه «انتخابات» ریاست جمهوری سال گذشته و تقلب آشکار در آن، شاهد موج عظیمی از اعتراض های مردمی شهرهای ایران به ویژه تهران پایتخت بود. این اعتراض های مردمی به وسیله نیروهای امنیتی سرکوب شد؛ ده ها نفر در خیابان ها و بازداشتگاه ها کشته شدند و هزاران نفر دیگر زندانی گردیدند زین العابدین بن علی رئیس جمهور فراری تونس، از اولین سرانی است که «پیروزی پاسدار محمود احمدی نژاد» در انتخابات سال ۸۸ را به او تبریک گفت. اکنون طبیعی ست که فراری شدن بن علی، زنگ خطر را برای سیدعلی و احمدی نژاد و دیگر دار و دسته حکومت مافیائی و جنایت کار اسلامی به صدا درآورده است.

با نگاهی به وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران، به سادگی به این نتیجه می رسیم که تحولات تونس، و الجزایر، اردن، مصر، آلبانی و غیره دیر یا زود در ایران نیز با ابعاد سیاسی و اجتماعی وسیع تری خود را نشان خواهد داد. چرا که جامعه ایران، مستقیماً تجارب ارزنده انقلاب ۵۷ و راه پیمائی های ضدولتی سال گذشته خود را دارد. بنابراین، این بار کارگران، زنان، دانش جویان، روشنفکران، هنرمندان، جوانان و مردم ستم دیده ایران با جمع بندی نقاط مثبت و منفی تجارب خود از این تحولات و هم چنین با استفاده از تجارب مبارزات کارگران و مردم عدالت خواه کشورهای دیگر، جدی تر و پیگیرتر از گذشته، تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه را رقم خواهند زد.

حذف سوبسیدهای دولتی و افزایش سریع گرانی و تورم

طرح حذف یارانه ها، از جمله فاجعه آمیزترین طرح های اقتصادی دولت احمدی نژاد است. طولی نکشید که ابعاد ویران گری اجرای طرح فوق و تاثیر منفی حذف سوبسیدها بر زندگی اقتصادی کارگران و مردم محروم آشکار شد.

آن چه که قبلا از اجرای این طرح نیز پیرامون پیامدها و تاثیرات مخرب حذف یارانه ها بر زندگی توده های مردم ایران هشدار داده می شد، هم اکنون به سرعت در جامعه آشکار گردیده است. افزایش سرسام آور قیمت ها از جمله برق مصرفی که از خرداد ماه گذشته شروع شده و نیز افزایش سرسام آور قیمت بسیاری از اقلام خوراکی، از قبیل گوشت قرمز، مرغ، تخم مرغ و غیره نسبت به ماه قبل و به طور اخص گرانی از چند برابر شدن بهای آرد و نان، هم اکنون پیامدهای ویران گر حاصل از اجرای قانون حذف یارانه ها را به روشنی آشکار کرده است. بنابراین، اجرای طرح حذف یارانه ها (حذف سوبسیدهای دولتی) و موج گرانی بیش از پیش مردم را در تنگنا و فشارهای سخت معیشتی قرار داده است. قیمت ها به طور سرسام آوری بالا می روند. به عنوان نمونه، بلافاصله پس از آغاز اجرای طرف هدف مندسازی یارانه ها، قیمت شکر از کیلوئی ۷۰۰ تومان به ۱۲۰۰ تومان افزایش یافته و کره نیز افزایش قیمت داشته و قالب ۱۰۰ گرمی آن که ۲۸۰ تومان به فروش می رسید اکنون به ۳۵۰ تومان افزایش یافته است. مدت هاست که در بسیاری از سفره های ایرانیان، گوشت دیده نمی شود.

ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت حکومت اسلامی اعلام کرد در بهمن ماه سال جاری ۶۰ لیتر سهمیه بنزین در اختیار خودروها قرار خواهد گرفت، اما قیمت آن از ۱۰۰ به ۴۰۰ تومان در هر لیتر افزایش می یابد.

رئیس این ستاد هم چنین افزوده است هیچ خودروئی در بهمن ماه سهمیه یارانه ای با قیمت ۱۰۰ تومان نخواهد داشت و تنها افرادی که ذخیره بنزین ۱۰۰ تومانی دارند می توانند ذخیره خود را به این قیمت بخرند. گفتنی است که قیمت هر لیتر بنزین آزاد نیز ۷۰۰ تومان است.

مدیرعامل سازمان تاکسیرانی تهران اعلام کرد از روز شنبه ۲ بهمن ماه نرخ جدید کرایه تاکسی در این شهر به اجرا در می آید.

وی افزوده است نرخ کرایه تاکسی ها در برخی از خطوط ۱۲ و در برخی خطوط دیگر تا ۱۹ درصد به نسبت کرایه ها تا قبل از اجرای قانون هدف مند کردن یارانه ها افزایش خواهد یافت.

برای مثال، روزنامه خراسان، ۳۰ دی ۱۳۸۹، نوشت: در روزهای گذشته قیوض جدید گاز بین مشترکین در شهر مشهد توزیع شد. برخی از شهروندان مدعی هستند رقم مندرج در کادر «مبلغ قابل پرداخت» بیش از میزان مصرف و انتظار آن ها به نسبت دوره های قبل بوده است. شهروندی با ارسال پیامک به سامانه ۲۰۰۰۹۹۹ می نویسد: «... قبض قبلی گاز منزل ۲۹ هزار ریال برآورد شده بود ولی با کمال حیرت قبض فعلی ۲۹۰ هزار ریال محاسبه شده است. در حالی که تنها ۸ روز از طول دوره این قیوض مشمول ایام پس از اجرای قانون هدف مندی یارانه ها می شود، شهروندان در تماس های مکرر خود با روزنامه خواستار پی گیری علت افزایش دور از انتظار گاز بهای این دوره شدند.

روزنامه دنیای اقتصاد، ۳۰ دی ۸۹، نوشت: این روزها، سردی بازار خودروی کشور با سرمای هوا همراه شده و خرید و فروش از رونق افتاده، این در حالی است که فعالان بازار برای این بی رونقی دلایل مختلفی ارائه می کنند. برخی از آن ها معتقدند که پس از اجرای قانون هدف مندی یارانه ها که از ۲۸ آذر ماه امسال آغاز و منجر به گرانی سوخت شد، مشتریان به نوعی با بازار خودرو قهر کرده و برای خرید، بسیار محتاط شده اند. در حال

حاضر، بنزین سهمیه ای با قیمت لیتری ۴۰۰ تومان عرضه می شود و هر لیتر بنزین آزاد نیز قیمتی برابر با ۷۰۰ تومان دارد و این موضوع، بر روند خرید و فروش در بازار خودرو، تاثیر منفی گذاشته است.

«ایران اکونومیست»، یک شنبه، ۲۸ شهریور ۱۳۸۹، طی گزارشی درباره قیمت کالاهای لوکس نوشته است: برخی قیمت ها بیش تر شبیه شوخی هستند و باور بعضی از آن ها هم از جمله کارهای سخت است. ولی باید بپذیرید و باور کنید، کفش ۳ میلیون تومانی، عطر یک میلیونی، کیف ۱۸ میلیونی و... خودروی ۶۰۰ میلیون تومانی در همین شهر خودمان به فروش رفته است و البته خواندن این گزارش به بیماران قلبی و اعصاب و روان توصیه نمی شود. به گزارش مشرق، کافی است تا کمی در خیابان های مرکزی و شمالی شهر تهران قدم بزنید تا با یک مشاهده ساده تفاوت قیمت دو خودروی ایستاده در کنار هم را که گاهی به ۳۰۰ میلیون تومان می رسد متوجه شوید. این موضوع در مورد بهای محصولات لوکسی چون کیف، کفش، عینک، گوشی موبایل و... نیز صادق است.

به نوشته فردا، در شهری که در برخی مناطق جنوبی آن خانواده های پرجمعیتی با درآمدهای کم تر از ۲۰۰ هزار تومان زندگی می کنند و کودکانی هستند که شب ها را در آرزوی داشتن یک توپ چرمی فوتبال و یا یک عروسک کوچک به بالین می روند، خانواده هائی هستند که از فرط استیصال برای خرج کردن ثروت های کلانی که گاهی یک شبه به دست آورده اند، روی به خرید کالاهای لوکسی می آورند که حتی فروشنده آن ها هم می داند ارزش چنین قیمتی را ندارند.

در شهری که برخی مردمان آن با یک پیکان مدل ۵۰ از صبح تا پاسی از شب، در کنار خیابان های شهر در زمستان و تابستان گز می کنند تا مسافری را جا به جا کنند و مخارج زندگی خود را تامین کنند. بنا به گزارش یکی از خبرگزاری ها، گران ترین خودروئی که به صورت معمول و با مجوز وزارت بازرگانی وارد کشور می شود خودروی بنز S۵۰۰ با قیمتی حدود ۳۳۰ میلیون تومان است. البته باید به واردات انگشت شمار خودروهائی نظیر فراری، لامبورگینی، هامر و... اشاره کرد که از این میان گفته می شود رکورددار فهرست گران ترین خودرو یک لامبورگینی زرد رنگ با قیمت حدود ۶۰۰ میلیون تومان است. یعنی معادل بهای هفتاد و دو دستگاه پراید!

اگر سری به اینترنت بزنید و با برندهای عرضه کنندگان کیف های درست شده از چرم حیواناتی نظیر مار و کورکودیل و... آشنا شوید متوجه می شوید پرداخت چند هزار دلار ناقابل برای خرید یک چنین کیف هائی امری معمول است که در تهران خودمان هم اتفاق افتاده که البته باید برای سفارش آن حدود دو ماهی هم صبر کرد. گران ترین کیف های کورکودیل با مارک هرمس را حدود ۶۴ هزار دلار قیمت گذاری کرده اند که البته بررسی ها نشان می دهد دو کیف با همین مارک در تهران به قیمت های ۱۲ و ۱۸ هزار دلار به فروش رفته است.

اگر عینک های ۲ و ۳ هزار تومانی با مارک های البته تقلبی در کوچه و خیابان فروخته می شوند و خریدار هم بعضا سال ها از آن استفاده می کند، لازم است بدانید گران ترین عینک های معمول بازار قیمت هائی حدود ۳ تا ۵ میلیون تومان دارند که البته مدیر یکی از معروف ترین فروشگاه های عینک از فروش یک عینک ۲۵ میلیون تومانی مارک کارتیه با فریم تمام طلا و نگین های برلیان خبر می دهد. هر چند گفته می شود گران ترین عینک فروخته شده در ایران رقمی حدود ۴۰ میلیون تومان داشته است.

لازم نیست بابت پرداخت چند ده هزار یا چند صد هزار تومان ناقابل برای خرید گوشی جدیدتان خود خوری کنید، چرا که تا به حال در شهر تهران گوشی DIOR با قیمت ۶ میلیون تومان، بلک بری با برلیان به قیمت ۱۹ میلیون تومان و جورجیو آرمانی با قیمت ۲۱ میلیون تومان به فروش رفته و جواهر فروشی هائی هم هستند که روکش طلا و جواهر مخصوص گوشی موبایل برای مشتریان خود تهیه می کنند.

به نظر شما با ۲۱ میلیون تومان کلیه چند فروشنده نیازمند کلیه را که اطلاعیه فروش کلیه خود را بر در و دیوار همین شهر آویزان کرده اند، می توان خرید؟ ما هم مثل شما نمی دانیم، چون هنوز به کلیه فروشی نیفتاده ایم. هرچند روسری با هر مارکی که دلتان بخواهد را می توانید از فروشگاه های تهران به قیمت ۴ یا ۵ هزار تومان بخريد ولی یک بوتیک معروف تهران روسری با مارک های اصل شانل، لوئی ویتون و... را به قیمت های ۶۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون تومان به فروش می رساند.

تصویر کودک خردسال حاشیه نشین را در حالی که دمپایی های لنگه به لنگه ای را به پا کرده است در خاطر بیاورید و پاراگراف آخر این گزارش عجیب را مطالعه کنید.

خیابان فرشته، یکی از گران ترین خیابان ها و البته محلات پایتخت است، بوتیک های این خیابان عرضه کننده کفش های فرانسوی و ایتالیایی هستند که البته قیمت مارک DIOR آن ها بین ۸۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان است. با یک میلیون تومان چند تا کفش زمستانی بچه گانه می توان خرید تا پای کودکان فقیر تهرانی از سرمای استخوان سوز زمستان تهران که به زودی فراخواهد رسید در امان بمانند؟

اگر از قیمت های سرسام آور کالاهای لوکس که فقط اقلیت کوچکی سرمایه دار از آن ها استفاده می کنند و کارگران و مردم فقیر حتی جرات نگاه به ویتترین های مغازه های لوکس را نیز ندارند چون که به غم و غصه شان افزوده می شود؛ با حذف سوبسیدهای دولتی، قیمت مایحتاج ضروری عموم مردم نیز به طور روزافزونی بالا می روند.

عاقل منش، عضو شورای اسلامی شهر رشت در تاریخ ۲۹ مرداد ۸۹، طی مصاحبه ای با خبرگزاری مهر گفت: افزایش ناگهانی مبلغ برق در قبض برق مشترکان، موجی از نگرانی و تشویش خاطر شهروندان و قشرهای آسیب پذیر اجتماعی استان های شمالی کشور (گیلان، مازندران و گلستان) را فراهم کرده است. شهروندان گیلانی که هم اکنون، قبض برق ماه های خرداد و تیر را دریافت کرده اند با افزایش قیمت تا چهار برابر مواجه شده اند.

خبر افزایش قیمت آرد دولتی به سطح قیمت آرد آزاد، یعنی از ۷۵ تومان به ۴۵۰۰ تومان، و به تبع آن، چندین برابر شدن قیمت نان، یکی دیگر از تبعات اولیه اجرای «قانون هدف مند کردن پیرانه ها» است. اخیرا خبرگزاری حکومتی فارس، نوشت: قیمت هر کیلوگرم گوجه فرنگی با افزایش ۲۱۰ درصدی از مرز ۲۵۰۰ تومان عبور کرد.

قیمت گوجه فرنگی در سطح شهر از مرز هر کیلوگرم ۲ هزار و ۵۰۰ تومان عبور کرده است و در نقاطی از شهر هم به قیمت بیش از هر کیلوگرم ۳ هزار تومان عرضه می شود. بانک مرکزی با تائید این گزارش قیمت گوجه فرنگی در هفته منتهی به ۱۲ آذرماه را ۲ هزار و ۳۲۴ تومان در هر کیلوگرم اعلام کرده است.

بنابراین گزارش، قیمت گوجه فرنگی نسبت به مدت مشابه در هفته ماقبل ۸۷ درصد و نسبت به ماه قبل ۲۱۰ درصد رشد داشته است.

بادنجان و کدو سبز هم در گرو سبزیجات با عبور از هر کیلوگرم هزار تومان افزایش ۵۰ و ۴۰ درصدی نسبت به ماه گذشته داشته اند.

روند صعودی قیمت حبوبات هم چنان ادامه دارد و در حال حاضر همه اقلام حبوبات به قیمت بیش از ۲ هزار تومان در هر کیلوگرم عرضه می شود و به طور میانگین این کالای اساسی رشد ۲۳ درصدی قیمت نسبت به مدت مشابه سال گذشته داشته است.

حجم بدهی های دولت احمدی نژاد به نهادهای داخلی و خارجی، به ۱۲۷ میلیارد دلار رسیده است. دولت اکنون می کوشد با افزایش مالیات اصناف و قطع یارانه ها به ویژه بنزین و نان، بدهی ها را کنترل کند، اما این شیوه تنها به فشار بر کارگران و اقشار محروم منجر می شود.

باین ترتیب، با اجرای رسمی قانون به اصطلاح هدف مندکردن یارانه ها، بهای مهم ترین کالاها و خدمات مورد نیاز روزمره توده های کارگر و مردم محروم به چند برابر افزایش یافته، نتیجتاً ارزش پول به میزان قابل ملاحظه ای کاهش پیدا کرده و نرخ تورم رشدی جهشی دارد. برخی منابع دولتی پیش بینی کرده اند که این افزایش نرخ تورم می تواند به ۴۰ تا ۵۰ درصد برسد.

حاشیه نشینی

حاشیه نشینی به آن گروه از زیست شهری اطلاق می شود که در حومه شهرها، خانوارهایی با مسکن بد و بدون کم ترین امکانات و خدمات شهری، یک مرکز جمعیتی یا شهرک ماندنی را تشکیل می دهند.

حاشیه نشینی یک پدیده اجتماعی است و این پدیده اختصاص به عصر حاضر نداشته و ریشه در تاریخ طولانی دارد. این پدیده هم در کشورهای توسعه یافته و هم چنین در کشورهای در حال توسعه وجود دارد.

کشور ایران نیز از این پدیده مصون نمانده و شرایط حادی دارد. حاشیه نشینی در کشور ما نیز هم چون اکثر کشورهای در حال توسعه، ریشه در مهاجرت از روستاها به شهرها و فقر دارد. کمبود امکانات رفاهی و خدماتی در مناطق روستائی و شهرهای کوچک فرآیند مهاجرت را تشدید کرده و حاشیه نشینی در اطراف شهرهای بزرگ پدید آورده است.

رشد و گسترش اجتماعات آلونک نشین در ایران، از سال های ۴۰ به این سو آغاز شده و این روند هم چنان ادامه دارد. حاشیه نشینی در دهه های ۴۰ و ۵۰ ابتدا از تهران شروع شده و رفته رفته شهرهای بزرگ کشور را نیز در بر گرفته است.

در یک بررسی گسترده ای که در سال ۱۳۵۱ در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفته مشخص شد، که ۹۱ درصد از سرپرستان خانواده های حاشیه نشین در تهران، از روستاها آمده بودند، ۷۲ درصد آنان قبلاً دهقان محسوب می شدند و ۵۹ درصد خرده مالک بوده اند.

در سال ۱۳۵۷، در مقطع انقلاب مردم ایران، جمعیت شهر نشین کشور به ۶۴ درصد رسیده بود. براساس آمار، تهران تا شهریور سال ۱۳۵۹ نزدیک به ۱۰ هزار و ۴۵۰ خانوار و ۴ هزار و ۵۰۰ آلونک را در خود جای داده بود.

تحقیقات و بررسی ها نشان می دهند که به دلیل کافی نبودن امکانات زیربنائی برای ایجاد اشتغال در نقاط روستائی و سیاست های اقتصادی خاصی که از اواخر دهه ۱۳۶۰ آغاز شد، مهاجرت به شهرها هم چنان ادامه یافت، به طوری که رشد جمعیت شهری طی دوره بیست ساله پیش از انقلاب، یعنی بین سال های ۱۳۵۵-۱۳۳۵ با نرخ رشدی معادل ۵ درصد افزایش داشت و این روند طی دوره بیست ساله بعد از انقلاب، یعنی ۱۳۷۵-۱۳۵۵ با نرخ معادل ۴/۳ درصد ادامه پیدا کرد.

در پایتخت، وضعیت خاصی در سه دهه گذشته بروز کرده است و آن افزایش انفجاری جمعیت روستائی استان تهران است، که با نرخ بالایی ۵/۷ درصد رشد داشته و مهاجران به مناطق روستائی استان تهران و هم چنین از شهرها به روستاهای اطراف تهران رانده شده اند.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، حدود یک پنجم جمعیت منطقه کلان شهری تهران، در شهرها و شهرک های حاشیه ای با ساخت و ساز غیرمتعارف و بدون خدمات شهری سکونت یافته اند.

رئیس کمیسیون فرهنگی - اجتماعی شورای شهر تهران، از رشد حاشیه نشینی از ۲ به ۵ درصد - به عنوان مادر معضلات اجتماعی کشور - طی ۱۰ سال آینده خبر داده است. چندی قبل مشاور شهردار نیز به رشد ۸۰ برابری جمعیت حريم شهر تهران و احتمال سرازير شدن ۲۰ درصدی جمعیت پایتخت به سمت حاشیه شهر اشاره کرده بود. طبق اعلام رسمی شهردار تهران، حاشیه نشینان تهران، به ۳/۵ میلیون نفر رسیده است.

بر اساس مطالعات جامعه شناختی، ۶۷ شهر کوچک و بزرگ کشور در ۱۶ استان در سال ۱۳۸۰ (بدون احتساب تهران، آذربایجان شرقی و مرکزی) با پدیده حاشیه نشینی مواجه هستند، در این محدوده ها که بیش از دو میلیون نفر ساکن هستند، تراکم جمعیت مناطق حاشیه نشین به طور متوسط حدود ۲۰۰ نفر در هکتار است. (افتخاری راد، سال ۸۰)

هم چنین مطابق با برآوردهائی که در پژوهش حاشیه نشینی توسط مرکز مطالعات و تحقیقات معماری شهرسازی ایران انجام شده، جمعیت حاشیه نشینی در ۱۰ شهر بزرگ ایران نظیر تهران، مشهد، شیراز، اهواز حدود ۳/۵ میلیون نفر تخمین زده شده که اکنون قطعا بسیار بیش تر از این رقم است.

خبرگزاری مهر، در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۸۹، گزارش داد که امروز رئیس شورای اسلامی شهر سنندج گفت: بر اساس مطالعات صورت گرفته در حال حاضر ۵۵ درصد از جمعیت شهر سنندج در مناطق حاشیه ای و سکونت گاه های غیررسمی زندگی می کنند.

شهردار کرمان نیز در گفتگو با خبرنگار مهر، از مهاجرت ۲۰۰ هزار نفر به شهر کرمان تنها طی چهار سال اخیر خبر داد. ابوالقاسم سیف الهی، افزود: شهر کرمان، یکی از مناطق مهاجرپذیر جنوب شرق کشور محسوب می شود، به طوری که در سرشماری سال ۸۵ جمعیت شهر کرمان ۵۱۴ هزار نفر بوده است اما طی چهار سال گذشته، ۲۰۰ هزار نفر به جمعیت شهر افزوده شده است که بیش تر مهاجران و حاشیه نشینان هستند.

فقر شدید اقتصادی و هم چنین عدم مهارت فنی در میان مهاجران حاشیه نشین ایران، مشاغلی را رواج داده که در متن زیست شهری به وضوح قابل رویت است، دست فروشی قاچاق، کالا، دلالی های کاذب، زباله گردی و غیره امروز نه تنها در حاشیه شهر، بلکه در متن شهرها نیز نمود تام دارد.

قیمت های سرسام آور مسکن

در حالی که بنا به اقرار شهردار تهران، حاشیه نشینان پایتخت به ۳/۵ میلیون نفر رسیده است طبق برآوردهای شورای شهر تهران، در شهر تهران حدود ۲۰۰ هزار خانه خالی وجود دارد. چرا که بسیاری از مردم، حتی قدرت خرید ارزان ترین خانه ها را نیز ندارند.

خرید واحدهای زیر ۴۰ متر در شرایطی که قیمت اجاره بها سرسام آور است و قشر جوان جامعه توان پرداخت پول بیش تری را ندارد، پررونق است. اما هنوز هم کارگران و قشر کم درآمد جامعه، توان خرید این واحدهای به اصطلاح «ارزان» را نیز ندارند.

به گزارش خبرنگار مهر، پس از افزایش جمعیت در شهرهای بزرگ و روند رو به رشد قیمت هر متر مربع واحد مسکونی در کلان شهرهایی مانند تهران، سازندگان به دنبال دریافت سود بیش تر شروع به ساخت خانه های کوچک یا به اصلاح سوئیت هایی کردند که قشر خاصی از جامعه که توان خرید خانه بزرگ تر را نداشتند، صاحبخانه شوند.

خانه هایی زیر ۴۰ متر که در اغلب نقاط تهران وجود دارند به شکل سوئیت یا واحدهای یک خوابه ساخته می شوند که صاحبخانه ها با ارایه شرایطی مانند وام بانکی یا در نظر گرفتن بالکن برای ایجاد فضای باز در محیط کوچک این واحدها، متقاضیان بیش تری را برای خرید جلب می کنند. در واقع به دلیل این که این واحدها کوچک هستند ایده های سازندگان تاثیر زیادی بر تمایل خریداران دارد.

مشاوران املاک در این ارتباط معتقدند که اغلب خریداران سوئیت ها مجرد هستند اما زوج هایی هم وجود دارند که زندگی در سوئیت های کوچک را به اجاره های سرسام آور ترجیح می دهند. به اعتقاد آن ها، واحدهای کوچک به دلیل شرایط فرهنگی کشور ما متقاضیان خاص خود را دارد و اغلب زوج ها اجاره نشینی را به زندگی در این واحدها ترجیح می دهند.

هم اکنون قیمت یک سوئیت ۳۶ متری در میدان گل ها، ۵۰ میلیون تومان است و واحد ۳۶ متری یک خوابه در منطقه ۱۰، با ۹ سال ساخت به قیمت ۴۰ میلیون تومان عرضه می شود.

هم چنین یک واحد ۴۰ متری که شرایطی مانند طبقه اول، انباری و بالکن را دارد با گذشت ۹ سال از تاریخ ساخت ۴۵ میلیون تومان قیمت گذاری شده است.

این در حالی است که مالک واحدی ۳۵ متری در محدوده قصرالدشت تهران شرایط خاصی را برای تامین پول خرید این خانه به خریداران پیشنهاد کرده است. براین اساس، این آپارتمان با مبلغ ۱۷ میلیون تومان نقد، ۱۰ میلیون رهن و ۱۸ میلیون وام مسکن خریدار، به فروش می رسد.

خبرگزاری آفتاب نیز در آخرین گزارش خود در تاریخ ۲۸ دی ۱۳۸۹، نوشت گرچه از زمان اجرای هدف مندی یارانه ها بیش از یک ماه گذشته است اما هم چنان برخی از سازندگان اقدام به فروش واحدهای خود نمی کنند و فروش را به سال بعد موکول کرده اند. این روزها بازار مسکن که ۲ هفته ای پس از اعلام هدف مندی یارانه ها آرامش خود را از دست داده بود دوباره به حالت قبل بازگشت اما هم چنان خریداران و فروشندگان در معاملات با احتیاط عمل می کنند.

به گزارش خبرنگار مهر، امسال با افزایش قیمت اجاره بها در اوایل سال با افزایش ۲۰ درصدی روبرو شد و با وجودی که مسئولان در ابتدا از قبول این موضوع سرباز می زدند اما با اعلام قیمت ها سرانجام افزایش قیمت ها را پذیرفتند.

یکی از موجه ها در این رابطه به خبرنگار مهر گفت که آپارتمانی که سال گذشته ۶۰ میلیون رهن داده می شد امسال به رقم ۷۰ میلیون تومان رسیده است.

ارقامی که در عرصه خرید خانه به ویژه در تهران مطرح است عموماً در بین کارگران و کارمندان معمولی با دست مزد ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومانی و حتی نیم میلیون تومانی، ارقامی رویائی و دست نیافتنی است. بنابراین، حتی تصور خشک و خالی نیز در مورد خرید خانه از سوی آنان، رویائی بیش نیست.

بی شک، برخورداری همه شهروندان از مسکن مناسب و خدمات شهری، حق مسلم همه آن هاست و دولت موظف به تامین آن است.

فقر فزاینده در کشور

بعد از مدت ها کشمکش بر سر این که فقر در ایران زیاد شده یا کم، یک مسئول دولتی که مسئول آمار رسمی دولت اسلامی نیز هست از وجود ۴۷ میلیون نفر زیر خط فقر و مرز خط فقر در کشور خبر داد. سال ۱۳۸۸، مرکز آمار ۴۷ میلیون نفر را در قالب خانوار ۶ نفره دارای درآمد کم تر از ۷۸۰ هزار تومان اعلام کرده است.

مطابق اعلام مرکز آمار ایران، ۴۷ میلیون ایرانی به طور سرانه روزانه کم تر از ۴ هزار و ۳۰۰ تومان درآمد دارند. این رقم نتیجه تازه ترین اظهارات رئیس مرکز آمار ایران است که گفته است: «درآمد خانواده شش نفری در خوشه یک، کم تر از ۴۷۳ هزار تومان است. خانوار شش نفره ای که درآمدش بین ۴۷۳ هزار تومان تا ۷۸۸ هزار تومان است در خوشه دو قرار می گیرد. در خوشه نخست حدود ۳۰ میلیون نفر قرار دارند. در خوشه دوم هم ۱۷ میلیون و ششصد هزار نفر قرار دارند.»

بدین ترتیب، درآمد روزانه حدود ۳۰ میلیون نفر کم تر از ۲ هزار و ۶۰۰ تومان است و درآمد روزانه ۱۷ میلیون نفر دیگر روزانه کم تر از ۴ هزار و ۳۰۰ تومان است. می توان این گونه نتیجه گرفت که ۴۷ میلیون و ۶۰۰ هزار ایرانی روزانه کم تر از ۴ هزار و ۳۰۰ تومان درآمد دارند. در این میان ۱۷ میلیون نفر حداکثر حق هزینه کرد ۲ هزار و ۶۰۰ تومان را دارند.

در حالی که تازه ترین خط فقر برآورد شده از سوی کارشناسان مستقل مبنی بر حدود یک میلیون تومان است. در واقع، با اجرای قانون هدف مند کردن یارانه ها (حذف سوبسیدهای دولتی)، تمام شهروندان عضو خوشه یک و دو به جمع فقرا می پیوندند و دامنه خط فقر مطلق حتی بخشی از حاضران در خوشه سوم را هم در برمی گیرد. مطابق اظهارات رئیس مرکز آمار ایران، دو سوم شرکت کنندگان (۶۱ میلیون ۱۰۷ هزار نفر) در طرح جمع آوری اطلاعات اقتصادی خانوار را شهری ها تشکیل می دهند. با این حال اگر فرض کنیم که تمام روستائیان شرکت کننده (۱۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر) در این طرح بیش از ۱۳۰ هزار تومان در روز درآمد ندارند، آن گاه حدود ۲۷ میلیون شهری در خوشه و اول و دوم قرار می گیرند.

بدین ترتیب، اگر فرض کنیم ۱۲ میلیون نفر شرکت نکرده در طرح جمع آوری اطلاعات اقتصادی خانوارها در خوشه های بالای درآمدی قرار گیرند، هم چنین با فرض این که روستائیان کم جمعیت تر همه در خوشه اول باشند تا شهرنشینان پرتعدادتر همه خوشه درآمدی بالاتر را پر کرده باشند تا جمعیت فقرا کم تر شود، به طور قطع بیش از ۱۰ میلیون ایرانی شهرنشین حاضر در خوشه اول (درآمد ماهیانه کم تر از ۴۷۳ هزار تومان برای خانوار ۶ نفره) زیر خط فقر مطلق قرار دارند.

هم چنین شهری های حاضر در خوشه دوم نیز که در بعد ۶ نفره کم تر از ۷۵۰ هزار تومان (بر مبنای خط فقر مطلق ۵۰۰ هزار تومان برای خانوار ۴ نفره) درآمد دارند زیر خط فقر مطلق هستند. پس به سادگی به این نتیجه می رسیم که جمعیت فقرای کشور را با فرض فقیر نبودن روستائیان، تنها در قالب شهرنشین ها، حدود ۲۷ میلیون نفر است.

براساس آمار جهانی که از سوی سازمان ملل متحد ارایه شده، در حال حاضر بیش از ۵/۲ میلیارد نفر در سراسر دنیا زندگی می کنند که حدود ۷۰ درصد آنان در قاره آفریقا هستند. از دیدگاه سازمان ملل، بیش از ۶۰ درصد این فقرا درآمد روزانه ای کم تر از یک دلار دارند در ایران که جزو کشورهای ثروتمند و دارای نفت است، آمار فقر

بیش از حد انتظار است. آمار تقریبی شش میلیونی کسانی که در فقر مطلق درآمد کم تر از ۹۰۰ تومان در روز در ایران زندگی می کنند، نشان از فاصله طبقاتی عمیق تر است که ریشه در سیاست های اقتصادی دولت دارد. براساس آمار ارایه شده از سوی دولت، ۸۰ درصد درآمدها و ثروت کشور در دست ۲۰ درصد افراد جامعه است. این موضوع بیانگر آن است که فاصله طبقاتی فقیر و غنی بسیار عمیق تر شده است. از سوی دیگر، بیش از ۵۵ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر اعلام شده از سوی سازمان برنامه و بودجه هستند و حدود ۱۵ درصد افراد جامعه نیز همتر از خط فقر درآمد دارند و تنها ۲۵ درصد جمعیت ایران روی خط فقر قرار داشته و در رفاه زندگی می کنند.

بی کاری

آمار بی کاران ایران در بهار سال جاری، از شکست برنامه های اشتغال زائی دولت دهم خبر می دهد. نرخ بی کاری را مرکز آمار ۱۴/۶ درصد و خانه کارگر ۱۷ درصد و تحلیل گران و اقتصاددانان بی طرف بیش از ۳۰ درصد اعلام کرده اند. اما یک عضو شورای عالی کار گفته است که ایران اصلا بی کار ندارد. بررسی گزارش های خبرگزاری ها و مراکز رسمی ایران نشان می دهد که مسئولان دولت دهم به ریاست محمود احمدی نژاد، جتنی کم ترین تلاشی برای کم کردن بی کاری انجام نداده اند. محمود احمدی نژاد، پنج سال پیش، هنگام تصرف پست ریاست جمهوری ایران اعلام کرد که اشتغال زائی یکی از محورهای اصلی برنامه اقتصادی دولت وی خواهد بود. در آن زمان، به استناد آمار رسمی، تنها ۷ درصد نیروی کار ایران بی کار بودند.

دولت احمدی نژاد، با صرف دست کم ۲۰ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی، طرح ایجاد واحدهای اقتصادی زودبازده را اجرا کرد. اما سه سال بعد، بانک مرکزی ایران اعلام کرد که مطالبات غیرقابل وصول بانک ها به حدود ۱۷ میلیارد دلار رسیده است. بخش اعظم اعتبارات پرداخت شده برای اجرای طرح های زودبازده که قرار بود ایجاد اشتغال فوری کنند، به کسانی پرداخت شد که اندکی بعد با اعلام ورشکستگی کردند و یا از ایران گریختند. و یا این که بدهی خود را پس نمی دهند. بنابراین، کسانی که این وام ها را با توصیه دولت از بانک گرفته اند اطفایان و نزدیکان دولت بوده اند که بدون این که اشتغال به وجود آورند این مبالغ کلان را بالا کشیده اند. در حال حاضر، بانک ها به دلیل عدم بازپرداخت این اعتبارها و هم چنین عدم پرداخت نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار بدهی دولت، توانایی تامین اعتبار برای واحدهای اشتغال زا را ندارند.

نحوه ارائه آمار بی کاران، از آغاز دولت احمدی نژاد مورد اختلاف مراکز مختلف بود. برای حل این اختلاف، مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۴، اعلام کرد که در ارائه آمار، به شاخص های سازمان جهانی کار توجه خواهد کرد. سازمان جهانی کار، کسی را آماده اشتغال می داند که به پایان ۱۵ سالگی رسیده باشد. افراد بین ۱۵ تا ۲۹ ساله، این شاخص نیروی کار جوان محسوب می شوند. ظاهرا با تکیه بر همین شاخص ها، مرکز آمار ایران، درصد بی کاران را در بهار امسال ۱۴/۶ درصد اعلام کرده است. به گزارش خبرگزاری کار ایران، این رقم پیش از آغاز کار دولت نهم ۷ درصد و در بهار سال ۱۳۸۷ حدود ده درصد بود. به این ترتیب، نرخ بی کاری در دوران احمدی نژاد دو برابر شده و ظرف دو سال گذشته نزدیک به ۴ درصد بالا رفته است. مراکز مختلفی که با مساله کار و بی کاری در ایران سروکار دارند، حاضر به پذیرش درستی گزارش مرکز آمار نیستند و خود آمارهائی ارائه می دهند که به شدت در تناقض است.

حسن صادقی، معاون دبیرکل خانه کارگر در گفتگو با خبرنگاری کار ایران «ایلنا»، گفته است که هم مرکز آمار و هم وزارت کار جمهوری اسلامی می کوشند حقایق مربوط به اقتصاد ایران را انکار و نرخ واقعی بی کاری را پنهان کنند.

به گفته صادقی، در نتیجه شکست برنامه های اشتغال زائی دولت های نهم و دهم، ضریب بی کاری اکنون به ۱۷ درصد رسیده است. یعنی حدود ۵ میلیون نفر از افراد آماده به کار بی کار هستند. اگر متوسط افراد یک خانواده را در ایران ۳ نفر در نظر بگیریم، تعداد افراد بدون نان آور اکنون به ۱۵ میلیون نفر رسیده است.